

در کوچه‌های غزل

(سیری در غزل سبک خراسانی و میان سبک‌ها)

به کوشش مرتضی نوربخش



www.ketab.ir

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



مرکز آفرینش های ادبی / دفتر پژوهش

در کوچه های غزل

سیری در غزل سبک خراسانی و میان سبک ها

به کوشش مرتضی نوربخش

ویراستار: محبویه قاسمی ایمچه

چاپ و حافی: ویژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول ۱۳۹۶

شماره ان: ۵۰۰ نسخه

سایک: ۸-۰۱-۰۳-۶۰۰۰-۹۷۸

سرشناسه: نو خوش، تیر ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدار: در کوچه های غزل: سیری در غزل سبک خراسانی و میان سبک ها / به کوشش مرتضی نوربخش؛ ویراستار محبویه قاسمی ایمچه؛ (به سفارش مرکز آفرینش های ادبی)؛ مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.

سایک: ۸-۰۳-۰۳-۶۰۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۳-۱۰۴؛ همچنین به صورت زیر

موضوع: سبک خراسانی

موضوع: شعر فارسی -- تاریخ و نقد

موضوع: غزل فارسی -- ایران -- تاریخ و نقد

شناسه افزوده: قاسمی ایمچه، محبویه، ویراستار

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، مرکز

آفرینش های ادبی، دفتر پژوهش

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۹۵۴ PIR257V

رده بندی دیویی: ۱۰۹۳/۱۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۳۹۱۱

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رحمت، پلاک ۲۳

مستدوق پستی: ۱۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۲؛ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش (نتیج حاصل): ۶۶۲۶۰۹۹۳؛ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

تقل و چاپ نوشته ها مشروط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۷	راغاز
۱۵	عطا بیسرویس
۱۶	موری
۱۷	فخرالدین راجی
۱۸	سعدی
۱۹	خواجوی کرمانی
۱۹	حافظ
۲۲	کلیم کاشانی
۲۳	صائب تبریزی
۲۳	بیدل دهلوی
۲۴	فیاض لاهیجی
۲۵	حزین لاهیجی
۲۷	شهریار تبریزی
۲۸	رهی معیری
۳۱	غزل سبک خراسانی
۳۱	شهید بلخی
۳۲	ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی

۳۶	احمد بن قوص منوچهری دامغانی
۳۷	ابواسحاق محمد بخاری جویباری
۳۸	دقیقی طوسی
۳۹	کسائی مروزی
۴۰	فرخی سیستانی
۴۱	قطران تبریزی
۴۲	امیرمعزی نیشابوری
۴۳	سوزنی سمرقندی
۴۵	میان سبک سبک عراقی
۴۵	ابوالحسن بن آدم سنایی غزنوی
۵۵	اسدالله بن محمد بن محمد انوری ابیوردی
۶۵	ظهیرالدین فارابی
۶۶	بدیل بن علم باباغانی شروانی
۷۵	میان سبک سبک هندی
۷۵	باباافغانی شیرازی
۷۸	هلالی جغتایی
۸۳	وحشی بافقی
۹۱	نمونه‌هایی از غزل دوره بازگشت ادبی
۹۱	هاتف اصفهانی
۹۳	محمدباقر بیرمی (صحبت لاری)
۹۴	طیب اصفهانی
۹۵	حکیم صفای اصفهانی
۹۶	فصیح الزمان رضوانی شیرازی
۹۹	منابع

سراغ:

سبک در ادبیات همان شیوه بیان مطلب است. سبک گاه می‌تواند شخصی باشد، گاه وره‌ای، و گاه نیز می‌تواند از گستره یک زبان فراتر رود و پیرایه بیشتر یابد. در سبک شخصی شاعر از شگردهایی برای پردازش به نام استفاده می‌کند که مخصوص خود اوست و، به تعبیر عام، حکم فوت کوزه‌گری را دارد. و خواننده شعر با خواندن بیت‌هایی از یک شاعر، بدون آنکه پیرایه آن‌ها را خوانده باشد، با توجه به پیشینه ذهنی که از دیگر آثار آن شاعر دارد، به این شناخت می‌رسد. وقتی که سعدی می‌گوید:

گفته بودم جو بیایی غم دل با تو بگیم
چه بگویم که غم از دل برود چون تیر بیایی
دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرا دادم

خواننده حرفه‌ای شعر اگر این بیت‌ها را از سعدی به یاد داشته باشد، بر همین سیاق، می‌تواند آثاری را هم که، به فرض، از این شاعر نخوانده تشخیص دهد که از اوست، از باب نمونه:

عجب است اگر توانم که سفر کنم ز دست
به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد

یا:

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

و ... که نوع معاشقه با کلمات و ساختمان نحوی آن خود راهنمای خواننده است. این شیوه از سخن، که از آن به زبان سهل و ممتنع یاد کرده‌اند، مختص سعدی است. نه به این معنی که رگه‌هایی پیش‌تر از خود ندارد، با اینکه بعد از او آثاری به این زبان نداریم، بلکه بدین دلیل که سعدی در این سبک سخن را به کمال رسانده و به نام خود ثبت کرده است. از این رو، می‌گوییم سعدی شاعری صاحب‌سبک است، و همین گونه است حافظ، بر فضایی دیگر با استفاده از نمادها و معماری کلمه‌ای که منحصر به فرد است؛ آنجا که می‌گوید:

خورشید می‌زنی شراب ساغر طلوع کرد
گر برگ عیش می‌صدی ترک خواب کن

یا:

ساقیا، جام می‌ام ده که نگارند غیب
نیست معلوم که در پرده اسرار چه کرد

بدین سبب، از نظر شخصی صاحب‌سبک شناخته می‌شود و این در حالی است که هم سعدی و هم حافظ در دوره سبک عراقی قرار دارند و از سرآمدان غزل سبک عراقی‌اند. در دوره سبک هنری نیز همین گونه است: شاعران بزرگ، علاوه بر سبک دوره، دارای سبک شخصی‌اند؛ چنان که صائب تبریزی در شکار مضمون و بیدل دهلوی در ترکیب‌سازی تبحر خاصی دارند. آنجا که صائب می‌گوید:

از بند لباسیم در این بحر سبک‌بار
پیراهن ما همچو حباب است تن ما

یا:

به دوست نامه نوشتن شعار بیگانه‌ست
به شمع نامه پروانه بال پروانه‌ست

یا:

حلقه دام گرفتاری دهن واکردن است
ماهی لب‌بسته را قلاب نتواند گرفت
ز بیدل با ست‌هایی چون:

صبح برق بهار گذشتی از این چمن
سراغی امید فروبرد سر در آب

یا:

سراغم می‌تواند است بر هم سوده پرسیدن
رم وحشی غزال فرصت گردد دگر دارم
یا:

حسرت کمین وعده وصلیست حیثتم
چشم به هم نیامده گوش فسانه‌ایست

از سبک شخصی که بگذریم، به سبک در ادبیات سبکی که
شاعران بسیاری در یک دوره، که شامل چند قرن می‌شود، به یک سیاق
سخن می‌گویند و عامل تعیین‌کننده سبک اغلب زبان و قالب است؛
چنان‌که در سبک خراسانی قالب قصیده، در سبک عراقی و سبک غالب
غزل، و در سبک معاصر قالب نیمایی ویژگی سبکی را تعیین می‌کند. و
از آغاز شعر فارسی تا کنون همین چهار سبک است که شناخته شده و
مختصات مربوط به خود را دارد. اما، پیش از آنکه سبک‌ها به تثبیت

برسند، میان سبک‌هایی داریم و برای سبک خراسانی باید پیش‌سبکی قائل شویم. و نخستین کسی که شعر عروضی گفت محمد بن وصیف سگزی^۱ است و پیش از آن فهلویات (سروده‌هایی به زبان پهلوی) را داریم که هجایی و فقط دارای قافیه است. و فارسیان عروض را از شعر عرب گرفتند و قافیه^۲ از سروده‌های ایرانی به شعر عرب راه یافت. در شعر عرب شانزده بحر عروضی شناخته شده است که برخی مختلف‌الارکان‌اند و بعضی متفق‌الارکان. و عروضیان عجم بعدها سه بحر قریب و جدید و مشاکل را، که به بحرهای مستحدث معروف‌اند، به شانزده بحر شعر عرب افزودند که مختص شعر فارسی است؛ با این حساب تعداد بحرهای در شعر فارسی نوزده است. در تعریف بحر شمس قیس رازی صاحب المعجم فی معایر الاشعار العجم، می‌گوید: بحر در نوزده به شیئی شکاف است و دریا را از آن جهت بحر می‌گویند که شکافی بزرگ در زمین است.^۳

بعد از وصیف، که نخستین شعر عروضی به نام او ثبت است، با مطلعی از یک قصیده چون:

ای امیری که امیران جهان خاصه و عام
بنده چاکر و مولای سگند و غلام

در بحر رمل، از سراینده‌گان دیگری چون بشام که در فیروز مشرقی، ابوسلیک گرگانی، و حنظله بادغیسی با شعر معروف:

مهتری گر به کام شیر در است
شو خطر کن ز کام شیر بجوی

۱. سیروس شمیسا، سبک‌شناسی شعر، ج ۹، تهران: فردوس، ۱۳۸۲.

۲. محمدرضا شفعی کدکنی، موسیقی شعر، ج ۵، تهران: آگاه، ۱۳۷۶.

۳. شمس قیس رازی، المعجم فی معایر الاشعار العجم، تصحیح عبدالوهاب قزوینی، با مقابله مدرس رضوی، تهران: زوار، ۱۳۶۰.

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

یا چو مردانت مرگ روبروی

می‌توان نام برد که در سروده‌های این شاعران نشانه‌های پیش‌سبک با نوع کلمات و فضایی که بر شعر حاکم است پیداست. اما، اولین کسی که در سبک خراسانی، به معنی واقعی، غزل گفت شهید بلخی است با بیت‌هایی چون:

مرا به جان تو سوگند و صعب سوگندی

که هرگز از تو نه کردم نه بشنوم پندی

دهند پندم و من هیچ پند نپذیرم

که با سود ندارد به جای سوگندی

که اگر بخواهیم پیشینه‌ای برای زبان سهل و ممتنع سعدی در سبک عراقی بیابیم، این بیت‌ها گواه روشنی بر این مدعاست. لیکن، آنچه به عنوان غزل سبک خراسانی در پیشگامان این سبک می‌بینیم بیشتر غزل قصیده است تا غزل مثل «مر «بوی جوی مولیان» رودکی که در اصل بیت‌هایی از یک قصیده است و برخی دیگر ...

در دوره خراسانی، در واقع، سایه قصیده بر غزل سنگینی می‌کند و ویژگی سبکی در سیطره قصیده است و بیان کردن این مبارک ایوان هم و غم شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی است؛ چنان که می‌گوید:

خواهم که حال و کار دگرسان کنم

هر چه آن به است قصد سوی آن کنم

عالم به ماه نیسان خرم شود

من خاطر از تفکر نیسان کنم

مفعول فاعلات مفاعیل فع

بنیان این مبارک ایوان کنم